

روابط و تعامل سید جمال الدین اسدآبادی با میرزا ملکم خان ناظم الدوله و آثار آن در تحولات سیاسی زمانه

دکتر محسن بهشتی سرشت

گروه تاریخ، واحد قزوین

دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

چکیده

جستجو و تامل در آثار میرزا ملکم خان ارمنی و کاویدن اندیشه‌های سیاسی و اصلاح‌گرایانه وی با حیرت و شگفتی‌های نسبتاً فراوانی روبروست. از یکسو اعتقادات دینی و روحیات وی به حوزه خارج از اسلام مربوط بود و از سوی دیگر اشتغالات اجرایی و حکومتی وی در سرزمینهای دور دست و از جمله عثمانی و فرنگستان مجاللی برای او در تعلق به حوزه اسلامی و اندیشه‌ورزی در سیاسیات اسلام باقی نمی‌گذاشت. با این همه در اغلب مواقع ارتباط نزدیکی بین او و شخص شاه (ناصرالدین شاه) برقرار بوده و بنابر روایتی در اولین لژ فراموشخانه میرزا ملکم، شاه عضویت داشت. همچنین در سفرهای خارجی شاه و انعقاد قراردادهای تجاری-اقتصادی همچون رویترا، تنباکو، و لاتاری جزء ملازمان و کارشناسان موثر حضور داشته است. معذک این شخصیت با چنین پیشینه و سوابق در مواقعی که از حکومت فاصله می‌گرفت و فرصت نشر و پراکندن اندیشه و ایده‌های خود را در راستای اصلاح حکومت به دست می‌آورد، توانایی خود را در ایده‌پردازی‌های نوین و مبتکرانه و به دور از انتظار به نمایش می‌گذاشت.

کلید واژگان: سید جمال الدین اسدآبادی، میرزا ملکم خان، روزنامه قانون، جنبش تنباکو، انقلاب

مشروطه

با اینکه از زمانه میرزا ملکم بیش از یکصد سال می‌گذرد اما با کمی تتبع و تمرکز در آثار مکتوب وی میتوان به هوش سیاسی و اجتماعی وی در کشف ظرفیتهای اصلاح طلبانه جامعه ایرانی پی برد. تکیه بر دو رکن «اسلامیت» و «ایرانیت» در آثار میرزا ملکم خان و از جمله مجموعه مقالات روزنامه «قانون» از کشف (شاه کلید) در حل مسائل غامض جامعه ایرانی حکایت دارد. باید در نظر داشت که در آن مقطع حساس عموم نخبگان ایرانی (مگر در موارد خاص) کلید حل مشکلات اجتماعی و توسعه‌ای ایران را در تبعیت بی چون و چرا از مسیر و اهداف فرنگیها و تمدن غرب دانسته و حتی شخصی همچون سید حسن تقی زاده با سابقه مطالعات اسلامی و تربیت حوزوی شعار «از فرق سر تا نوک پا باید غربی شد» را مطرح می‌ساخت.^۱ شناخت ظرفیت دین اسلام و علمای منادی آن و استفاده اصلاح گرایانه و مبارزه جویانه از این ظرفیت‌های نهادینه شده در جامعه ایرانی، از اندیشه‌ورزی‌های خلاقانه میرزا ملکم خان است.

از سوی دیگر اشتراکات فراوان فکری و همچنین مشی مبارزاتی بین سید جمال الدین اسدآبادی و میرزا ملکم خان می‌توان دریافت که هیچ تردیدی در تعامل سید با میرزا ملکم و اثرگذاری سید بر او نمی‌توان داشت. در آثار هر دو بوضوح موارد مشترک ذیل را می‌توان ملاحظه نمود:

- ۱- هر دو معتقد به جامعیت دین اسلام و رویکرد سیاسی-اجتماعی دین مبین بودند.
 - ۲- هر دو معتقد به قدرت بسیج کنندگی دین اسلام در مبارزه با استبداد بوده و آنرا ترویج می‌کردند.
 - ۳- هر دو معتقد به توان بالای علمای اسلام در مبارزه با استبداد و استعمار بوده و اساسا هرگونه تغییر و تحول در ساختار سیاسی حکومت را منوط به شرکت و حضور قدرتمندانه علما و رهبری آنان می‌دانستند.
 - ۴- کشف ظرفیت نهاد دین در «نجف» و کشاندن علمای آن دیار به صحنه مبارزات ضد استبداد از فصول مشترک فکری آن دو می‌باشد که این مورد منشاء تحولات ایران دوره قاجار و همچنین به ثمر نشاندن انقلاب مشروطیت ایران را به دنبال داشته است.
- سید جمال در سخنرانی معروف خود در استامبول بوضوح از کارکرد سیاسی - اجتماعی مذهب سخن گفت در حالیکه میرزا ملکم آن سخنرانی را شنید^۲ و همچنین در رساله «رد نیچریه» که معروفترین اثر سید جمال است آشکارا از ابعاد نظام سیاسی-اجتماعی اسلام دفاع کرد و آنرا سودمندانه به نفع بشریت تفسیر کرد.^۳ همچنین وی پس از تبعید خشونت بار از ایران و استقرار در لندن در طی یک سخنرانی افشاگرانه عمق بینش سیاسی خود را نسبت به مسائل بین‌المللی به نمایش گذاشت. در این سخنرانی سید از تضادهای درونی حکومت انگلیس استفاده کرد و در

حالیکه آنان به شدت شعارهای قانونگرایی و آزادیخواهی سر می‌دادند، در عمل سید رفتار آنها را در کشورهای مغلوب از جمله ایران به چالش کشید. سید در سخنرانی خود تحت عنوان «حاکمیت رعب و وحشت در ایران» به شدت به سیاستهای روس و انگلیس حمله کرده و تداوم استبداد در ایران را مدیون و مرهون حمایتهای آن دو دولت دانست. در همین سخنرانی سید تلاش میرزا ملکم خان را در تهیه رساله «تنظیمات» که جهت قانون مند کردن رفتار حکومت تنظیم شده بود مورد ستایش قرار داد- اما اشاره می‌کند که حکومت به آن وقعی ننهاد و امید مردم به اصلاحات را از بین برد.^۴ بر طبق اسناد و گزارش های پراکنده سید در لندن مجالس بحث و تبادل نظر فراوانی با میرزا ملکم داشته است. و حتی دشمن مشترک سید و میرزا ملکم (میرزا علی اصغر خان امین السلطان) مکرر در خاطرات و نوشته های خود، غائله تنباکو را توطئه مشترک سید و میرزا ملکم می‌داند.^۵ در آن سخنرانی سید به قدرت بلامنازع مجتهد عتبات (میرزای شیرازی) اشاره کرد و مخالفت او با قرار داد رژی را کوبنده تر از قدرت پاپ پیوس نهم یا لئوی سوم دانست.^۶

به موازات تلاش سید جمال در استفاده از تکیه گاه دین در مبارزات اجتماعی، میرزا ملکم در دفاع از قانون و قانون گرایی همه جا به دنبال آشتی بین علم و دین و قانون عرفی و شرع اسلام بوده و در اثبات سازگاری قوانین شرعی و عرفی در روزنامه قانون قلمها زده است. «جمیع انبیاء آنچه فرموده اند از برای تقویت و اجرای قانون بوده».^۷

میرزا ملکم خان در دفاع از علماء و تحریض مردم در حمایت از علمای مبارز مطالبی را پراکنده است. در شماره ۸ روزنامه آشکارا از ملا فیض ... دریندی که توسط حکومت اخراج شده بود، حمایت می‌کند^۸ در شماره بعدی از همه علما می‌خواهد با جدیت وارد کارزار با حکومت شوند.^۹

ملکم در شماره ۱۳ روزنامه به اخراج سید جمال از ایران اشاره و به عنوان نمونه ای از بی قانونی و استبداد در ایران اشاره می‌کند.^{۱۰} و در شماره های بعدی ورود سید جمال به لندن را گزارش می‌دهد.^{۱۱} اوج تاثیر گذاری سید در رابطه با علماء در ماجرای تحریم تنباکو به عیان مشاهده می‌شود. سید پس از اخراج از ایران، در بصره نامه مهم و افشاگرانه خطاب به میرزا حسن شیرازی مجتهد بزرگ شیعیان نوشت و از او خواست که بیش از این در برابر ظلم و ستم حکومت و فروش ایران به اجنبی ساکت ننشیند و وارد مبارزه جدی با حکومت و قرارداد تنباکو شود.

نگاه مشترک سید جمال و میرزا ملکم به کانون های قدرت در مجتمع اسلامی یعنی نهاد دین و روشهای مبارزه با استبداد ذیل رهبری نخبگان دینی از تعامل و تبادل نظر آن دو تن و بویژه تاثیر سید جمال بر میرزا ملکم خان دارد.

ملکم خان چاره حل مصائب ایران را در وحدت بین مجتهدین و عقلای ایران (بخوانید روشنفکران) می‌داند. وی در شماره ۱۸ روزنامه قانون می‌نویسد:

«چاره در دست مجتهدین و بسته به کفایت عقلای ایران است. باید مجتهدین و بزرگان قوم بر دور پادشاه جمع بشوند و در مجلس شورای کبرای ملی این سیل‌های مصائب را به تدابیر و قوانین مشروع از ایران بر طرف نمایند».^{۱۲}

اشتراکات فراوان فکری بین ملکم خان و سید جمال یقیناً تاثیر سید جمال را به اثبات می‌رساند. مثلاً درباره نظریه شیعه نسبت به حکومت، ملکم خان به خوبی نظرات فقها و از جمله سید جمال را بازگو می‌کند وی در شماره ۲۶ قانون می‌نویسد:

«در ایران یک مساله دیگری هست که در حقیقت کلید جمیع مسائل این ملک است و آن عبارت است از آن سر امامت که مبنای دین شیعه است و اهل خارجه از دقایق آن خیلی کم بلکه هیچ اطلاع ندارند. در میان ملل سنی سلطان عثمانی رئیس مطلق و خلیفه مفترض الطاعه است. وضع دولت ایران نقطه مقابل اینست. موافق مذهب شیعه سلطنت حالیه ایران خلاف اصول اسلام و شاه غاصب است. بنا به این عقیده مذهبی، امروز در ایران دو حکومت است یکی مشروع که متعلق به علمای دین است یکی دیگر غصبی که دستگاه ظلمه می‌گویند...»^{۱۳}

همین نظریه را سید جمال در همان تاریخ در طی یک مصاحبه مهم با آقای آرتور آرنولد **arthur arnuld** مدیر روزنامه پال مال گازت **pall mall gazett** که در یکصد و بیست سال پیش انجام داده بود، مطرح ساخت. سید در این مصاحبه به صراحت برتری مذهب تشیع نسبت به تسنن در مبارزه با استبداد را اعلام داشته و می‌گوید:

«... مانع بزرگ پیشرفت، استبداد بوده و این نوع حکومت متأسفانه، تقریباً جزء مذهب سنی شده است در صورتی که مذهب شیعه چنین نیست. یکی از اصول اساسی شیعه این است که هر نوع حکومتی، غیر قانونی و هر مسلمان و حکمرانی، غاصب است و روی همین اصل، اصلاحات و از بین بردن استبداد در میان شیعه آسان تر است».^{۱۴} [پایید از استاد خسرو شاهی در کشف این سند و تلاش خستگی نا پذیر ایشان تشکر کنم]

هم اندیشی و همفکری سید جمال و میرزا ملکم خان تا آنجا بود که سفیر ایران در وین (نظر آقا) طی نامه ای به تهران اظهار می‌دارد که مقالاتی که سید در پاریس به چاپ می‌رساند از او نیست و از ملکم می‌باشد.^{۱۵} همچنین علاءالسلطنه سفیر ایران در لندن (جانشین ملکم) در گزارشی بدبینانه از مناسبات سید جمال و ملکم اقرار به رابطه تنگاتنگ بین آن دو دارد:

«... آنها به هم علاقه‌ای ندارند و بیشتر اوقات به بحث و گفتگو پیرامون اختلافات عقیدتی [!] مشغولند ولی از آن جایی که می‌دانند اهدافشان ماهیت یکسان دارد، هر دو در موقعیتی هستند که به تأیید هم محتاجند و بیشتر اوقات در کنار هم می‌باشند».^{۱۶}

اوج هم اندیشی و تاثیرگذاری فکری سید جمال بر ملکم را می‌توان در حادثه دخانیه یا تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی یافت. پس از آنکه سید جمال بطرز فجیعی از ایران رانده شد در بصره توسط سید علی اکبر فال اسیری نامه تهییج کننده‌ای به میرزای شیرازی نوشت. در آن نامه سید وظایف علما را در مقابل ظلم و ستم متذکر شده و سکوت میرزا در مقابل استبداد را مخالف نص قرآن و آموزه‌های دینی اعلام می‌دارد.

«... ایرانیان همگی مات و مبهوت مانده، از هم می‌پرسند چرا حضرت حجه الاسلام در مقابل این حوادث سکوت نموده، کدام پیش آمد ایشان را از یاری دین بازداشته چرا از انجام وظیفه پهلو تپی می‌کنند ... حق را باید گفت، تو رئیس فرقه شیعه هستی، تو مثل جان در تن همه مسلمانان دمیده‌ای، هیچکس جز در پناه تو نمی‌تواند برای نجات ملت برخیزد و آنها نیز به غیر از تو اطمینان ندارند. اگر برای گرفتن حق قیام کنی، همه به پشتیبانی تو برخاسته، آنگاه افتخار و سر بلندی نصیبشان خواهد شد ولی اگر بجای خود بنشینی مسلمانان هم متوقف شده و زیر دست می‌شوند».^{۱۷}

بنا بر گزارش های تاریخی سید جمال سید پس از عزیمت از بصره و ورود به لندن با کمک ملکم خان تعداد زیادی از نامه مذکور را به چاپ رساند و توسط ملکم به ایران فرستاد.^{۱۸} در شماره ۲۹ روزنامه قانون مطالبی بیچشم می‌خورد که حکایت از ورود سید جمال به حوزه تفکر میرزا ملکم و تسلیم ساختن وی به خط مشی مبارزاتی سید علیه استبداد ناصری دارد. قبلاً اشاره شد که سید در پی نامه افشاگرانه به میرزای شیرازی از وی خواست که رهبری و زعامت ایرانیان را در مبارزه علیه انحصار تنباکو و ستم ناصر الدین شاه بر عهده گیرد. همین هدف در شماره مذکور روزنامه در قالب گفتگوی مجازی سه تن به طرز ماهرانه‌ای تعقیب شده است.

« ... کارهای بزرگ رئیس لازم دارد و شما رئیس ندارید. حکیم باشی - از کجا فهمیدید که ما رئیس نداریم. تا بحال بنا به یک مصلحت اسم رئیس خود را اعلام نمی‌کردیم. اما عنقریب خواهید دید آن وجود مقدس که در باطن قبله و پناه اتفاق ما بوده عالم را به آفتاب ریاست خود منور خواهد ساخت. صاحب کمال - آن شخص غائب که شما صاحب چنان مقام جلیل قرار می‌دهید کیست؟

- همان است که باید باشد. - چرا درست تصریح نمی‌فرمائید. - رئیس جماعت آن حضرت است که انوار هدایتش قلب ملت را مملو امید ساخته و اسم مبارکش آقا میرزا حسن شیرازی است».^{۱۹}

در حالیکه پیشینه سیاسی و اجرایی ملکم خان او را نسبت به فرهنگ اسلامی و شیعی غریب نشان می‌دهد. این اظهارات ثابت می‌کند که وی در تعامل با سید جمال کاملاً با او هم نظر است و رهبری میرزای شیرازی را در شکستن حکومت استبداد لازم می‌داند.

- در ادامه همان مقاله سرانجام ملکم از قول یکی از گوینده‌های مجازی به مهمترین نظریه شیعه در ایجاد ساختار جدید حکومت اشاره کرده و به عنوان بدیل حکومت سلطنت آنرا برای جامعه ایران مفید می‌داند.

- به قدرت این اتفاق [وحدت علما و مردم] و بواسطه تشکیل مجلس علما حدود حکومت و حقوق رعیت موافق شریعت خدا معین خواهد شد. مال و جان و مناصب و اعتبار و ناموس مسلمانان محفوظ خواهد ماند و عوض اینکه مثل امروز ذلیل هر ناکس و طعمه هر جانور باشیم صاحب یک دولت مشروعه خواهیم شد و آن وقت در تحت عدالت شرع مقدس ملت زنده، ملک آباد، خدا راضی و روح اسلام شاد خواهد بود.^{۲۰}

در اینجا ملکم از حکومت مشروعه و مجلس علما و رعایت حقوق رعیت و اجرای عدالت و رضایت خدا و اسلام سخن بمیان آورده است. این رویکرد از تاثیر تراوشات فکری سید جمال ایمان به مشی مبارزاتی سید حاصل گشته است. همکاری و هم اندیشی میرزا ملکم و سید جمال امین السلطان صدر اعظم وقت را بر آن داشت که طی نامه‌ای مبسوط به میرزای شیرازی به بی دین بودن آن دو اشاره نموده و علاقه آن دو به میرزا و روحانیت را کاملاً دروغ پنداشته و از میرزا بخواهد که آن دو را تقبیح و از خود دور دارد.^{۲۱} معذک میرزای شیرازی به نامه او وقعی ننهاد و بدین ترتیب خواسته صدر اعظم را به هیچ انگاشت.

جنبش تنباکو و پیروزی مرجعیت پیروزی اندیشه های سید جمال بحساب می‌آمد. جنبشی که یقیناً مقدمه‌ای برای پیدایش انقلاب مشروطیت ایران به رهبری شاگردان میرزای شیرازی (آخوند خراسانی - مازندرانی - تهرانی) محسوب می‌گشت. در اواخر سال ۱۸۹۲ میلادی برابر با ۱۳۰۹ قمری سید جمال به دعوت سلطان عبدالحمید به استانبول دعوت شد. در شرایط آن روز قدرت عثمانی به عنوان تنها قدرت اسلامی در مقابل استعمار و توسعه طلبی آنان رخ می‌نمود. چنین به نظر می‌رسد که سید جمال در آرایش نیروهای سیاسی آنروز که به طرز فزاینده‌ای ممالک و ملل اسلامی را تحت نفوذ خود گرفته بودند آشکارا مسلمین را به حمایت از حکومت عثمانی دعوت می‌کرد. وی این طریق راتنها چاره ساز حفظ هویت مسلمین و جلوگیری از نابودی آنان می‌پنداشت. بنا به گفته ادوارد براون، پذیرش دعوت سلطان عثمانی از سوی سید جمال با تشویق و نظر مثبت ملکم صورت گرفته بود.^{۲۲}

در حالیکه در آخرین مرحله زندگانی سید جمال (۵ سال آخر حضور در استانبول) بین او و ملکم فاصله و جدایی مکانی افتاد اما حضور یکی دیگر از مخالفین استبداد شاه در عثمانی (میرزا آقا خان کرمانی) باعث شد که وی نقش رابط بین ملکم و سید جمال را ایفا نموده و در طی مکاتبات فراوان به انتقال نظریات و احوال سید به ملکم بپردازد. وی که بتدریج خود را مرید سید جمال نشان می‌داد در طی نامه‌ای به ملکم خواستار سقوط ناصر الدین شاه به کمک علما و جایگزینی مسعود میرزا ظل السلطان بجای وی بود.^{۲۳} در نامه دیگری که از آقاخان کرمانی بجا مانده وی پیام سید جمال به ملکم خان را که حاوی مطالب مهمی است در آن نامه نوشته است. پیامی که سید جمال مصرانه می‌خواهد که ملکم آنرا به چاپ رساند.

«حضرت سید می‌گویند یک نمره قانون مخصوصا به جهت ارائه مطالب آدمیت و منافع اتفاق اسلامیت بجهت ملاهای کربلا و نجف چاپ کنید و در آن ضمن به عبارت خوب بسیار واضح بفهمانید یا بطریق اعتراض از یا بطریق ارائه و اظهار که چرا مثل حاجی میرزا محمد حسن شخص بزرگی که امروز پنجاه میلیون شیعه در اطراف عالم او را نایب امام می‌دانند نباید کاری بکند که اقلا مثل پاپ ایتالیا از تمام دول نزد او سفرا بیایند و موجود باشند و امروز آنقدر مجهول الحال باشد که متصرف سامره او را اهمیت ندهد و نشناسد...»^{۲۴}

مورخانی که با عمق بیشتری به پدیده انقلاب مشروطیت پرداخته اند هیچگاه از نقش بیدارگری سید جمال و میرزا ملکم خان غافل نمانده‌اند. ناظم الاسلام کرمانی می‌نویسد:

«نخستین فروزنده آسمان شرف و جلال و اولین [کسی] نامیده شده است که لواء آزادی و حریت و هواخواهی از استقلال حقوق بشریت را بر دوش داشت و پیشرو آزادی طلبان مملکت عجم بود»^{۲۵}

و همینطور سید احمد کسروی آنجا که از چگونگی بیداری ایرانیان سخن می‌گوید به نقش سید و ملکم اشاره مستقیم دارد:

«دلسوزی به توده و کشور نموده و به بیداری مردم کوشیده اند»^{۲۶}

از اسناد جالب این دوره مکاتبات سفیر ایران در عثمانی (میرزا اسدا... خان ناظم الدوله) با امین السلطان است. در این مکاتبات به سفیر ماموریت داده می‌شود که هر طور شده نظر سلطان را نسبت به سید جمال برگردانده و او را یا تحویل ایران نماید و یا اینکه منزوی و محبوس نماید. در یکی از این مکاتبات سفیر از قول سلطان عثمانی می‌گوید:

«من در این فقره به خیال خود خدمت بزرگی به اعلی حضرت همایونی کرده، او را از ملکم ملعون جدا کرده اینجا آورده‌ام که دهان او را ببندم که ننویسد و منتشر نکند. مادامی که اینجاست مراقب خواهم شد درباره ایران چیزی ننویسد. بعد او را به جایی فرستاده مشغول تدوین کتب می

کنم که از این خیالات دست بکشد. چون او را متعهدا به اینجا آورده ام، حبس او منافی شان سلطنت است».^{۲۷}

از اظهارات سلطان عثمانی می‌توان دریافت که ارتباط و تاثیر گذاری سید بر ملکم خان امری آشکار و بدیهی بوده است و تنها دلیلی که او را از فشار حکومت ایران خارج می‌ساخت و به زعم خود تا حدودی آرامش را به شاه ایران بر می‌گرداند، جدایی سید از ملکم خان بود. ارتباط، تعامل و هم اندیشی سید و ملکم به گونه‌ای بوده است که آن دو هوشمندانه ظرفیتهای اصلاح طلبی و حتی انقلاب را در ایران به مدد اندیشه «جنبش و توسعه دینی» دریافت و تلاش خستگی ناپذیری در جهت استفاده از ظرفیت و قابلیت‌های نهاد دین از خود به عمل آوردند. تلاشی که در جنبش تنباکو آثار خود را نشان داد و از آن پس راه جدید و همواری در پیمودن انقلاب مشروطیت ایران و رهبری دینی آن، گشوده شد.

پی‌نوشت

- ۱- ر.ک: تقی زاده، سید حسن، اخذ تمدن خارجی، تهران، ۱۳۷۶، امیر کبیر، ص ۱.
- ۲- ر.ک: اندیشه‌ها و مبارزات، به اهتمام غلامحسین زرگری‌نژاد، رضا رئیس‌طوسی، تهران، ۱۳۷۶، انتشارات حسینیہ ارشاد، ص ۳۱۲
- ۳- بنگرید به: سید جمال‌الدین اسدآبادی، رساله نیچریه در علی اصغر حلبی، زدگی و سفرهای سید جمال‌الدین اسد آبادی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۰.
- ۴- اندیشه‌ها و مبارزات، همان، ص ۳۱۵.
- ۵- صفایی، ابراهیم، اسناد سیاسی دوران قاجار، تهران، ۱۳۴۶، صص ۳۱۴-۳۱۸.
- ۶- اندیشه‌ها و مبارزات، همان، صص ۳۲۴-۳۲۵.
- ۷- ناظم‌الدوله، میرزا ملکم خان، روزنامه قانون، تهران، ۱۳۶۹، انتشارات کویر، شماره ۲، ص ۲.
- ۸- قانون، همان، نمره هشتم، ص ۳.
- ۹- همان، ص ۴.
- ۱۰- همان، نمره سیزدهم، ص ۲ «... وارث رسول خدا را موافق کدام شریعت از بقعه پسر رسول بان افتضاح اخراج و مفقود الاثر می‌سازید».
- ۱۱- همان، نمره هجدهم، ص ۴.
- ۱۲- همان، نمره هجدهم، ص ۲.
- ۱۳- همان، نمره بیست و ششم، ص ۲.

- ۱۴- خسرو شاهی، سید هادی، دو سند تاریخی، اطلاعات (حکمت و معرفت) ماهنامه پژوهشی، شماره ۵، مرداد ۸۷، ص ۱۰.
- باید از جناب استاد خسرو شاهی در کشف این سند و تلاش خستگی ناپذیر ایشان تشکر کنیم.
- ۱۵- حامد الگار، میرزا ملکم خان، ترجمه جهانگیر عظیمیا و مجید تفرشی، تهران، انتشارات مدرس، ۱۳۶۹، به نقل از هما ناطق، نظر آقا و نامه‌هایی از او، صص ۲۱۸-۲۱۹.
- ۱۶- همان، ص ۲۱۹.
- ۱۷- همچنین ر.ک: ابراهیم تیموری، تحریم تنباکو یا اولین مقاومت منفی در ایران، تهران ۱۳۲۸، ص ۲۵.
- ۱۸- صفایی، ابراهیم، همان، ص ۳۱۸.
- ۱۹- قانون، همان، نمره بیست و نهم، ص ۳.
- ۲۰- همان، ص ۴.
- ۲۱- صفایی، همان، صص ۳۱۴-۳۱۸.
- ۲۲- ادوارد براون، انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه، تهران، ۱۳۲۹ش، ۱۳.
- ۲۳- میرزا آقا خان کرمانی، نامه‌های تبعید، به کوشش هما ناطق، آلمان غربی، چاپ افق کلن، پائیز ۶۸، ص ۶۸.
- ۲۴- همان، ص ۱۵۰.
- ۲۵- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش اول، انتشارات آگاه-نوین، تهران، ۱۳۶۲، ص ۷۰.
- ۲۶- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، صدای معاصر، ۱۳۸۰، ص ۷۰.
- ۲۷- خان ملک ساسانی، سیاستگران دوره قاجار، تهران، ۱۳۳۸، ص ۱۹۴.